بینی عدد اندر هزار از حالت آدمی حیران شود چون عدد ها دید
سرگردان شود کو بصورت روی عدد باشد چون معنی رسی
احد باشد پیش عارف هزار باشد یک نه فتد از نقوشان
شک کی غلط او فتد اگر بشمار نام یک چیزی را نهی تو هزار
واین اشارتیست از بهر دانش ای سالک راه حق اگر جویاء
علم توحیدی بو تو باد که تأمل کنی باین رباعی که شیخ سعد الدین
حموی قدس الله سره العزیز فرموده است که معنی جامعه خود
دارد بیت چون نقطه الف گشت حروف در هر حرفی الف باسم موصوف
چون حروف مرکب شد آمد بکلام حرفست چو مظروف در
نقطه درو چون مظروف رباعی حقیقت عالم اسم تست یارا
توی اندر نهان وآشکارا بجز تو در دو عالم هیچ کس نیست

بکردم من یقین سر آشکاره همه عالم خروشی از انست که
چیزی این چنین پیدا نهان است باب پانزدهم
فقر است فقر درویشی است ودرویش سه نوع است
اضطراریست واختیاریست وحقیقی اضطراری کسی را
است که ترک دنیا کند واز اهلش گریزان باشد ابو دردا
قدس الله العزیز ازین فقر چنین خبر داد که از بالا بی سنگی
افتم وخرد شوم دوستر دارم از آن که با اهل دنیا نشینم و
شخصی از شیخ عبد الله انصاری سوال کرد که فقر چیست شیخ
گفت هرچه در دست داری بدهی وهرچه در صحن سر داری بنهی وهرچه
بتو رسد ازین نجهی اشارت فقر اختیاری کرد اما فقر حقیقی
آن بود که چنین خبر داده است که الفقر الاحتیاج الی الله یعنی فقر

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)